ترکیب اجزاء غیر متشابه؛ عاملی در تشکیل جزء لایتجزی

به مطالبی برگردیم که در جلسه قبل ناتمام ماند و برای مقصود ما در اینجا بسیار مهم است. وقتی از متن سخت‌افزار شروع کردیم، یک شیء فیزیکی، اگر دو حالت علی‌البدل داشت، اینجا ذهن می‌توانست برای او یک سیستم دودویی برپا کند و از آن برای دو حالت استفاده کند. لذا یک بیت تشکیل داد. بیت یک سیستم بود برای آن دو حالت که کاملاً ذهنی و نرم‌افزاری بود.

بعد برای اینکه توسعه بدهیم، این بیت‌ها را کنار هم گذاشتیم. وقتی دو تا از آن‌ها کنار هم می‌آمد، شما می‌توانستید چهار عدد را نشان دهید. وقتی سه تا می‌شود ...، تا آن جایی که هشت تا می‌شد. آنچه که مهم بود این بود: وقتی چیزهایی را ترکیب می‌کردیم – یک چیزی ظاهر شود ای نشود- چه ضابطه‌ای هست که علامه می‌فرمایند «ربما ائتلفت و ربما لم تأتلف و بقیت علی حالها»؛ ضابطه چیست؟ به عبارت دیگر همانطور که عرض کردم اگر یک می‌لیارد اتم اکسیژن را با دو می‌لیارد اتم هیدروژن مخلوط کنیم، آب درست می‌شود یا نمی‌شود؟ نه. این‌ها باید پیوند H_2O به آن نحوی که خداوند برای مولکول آب قرار داده، پیدا کنند، تا مجموع آن‌ها آب شود. سؤال این بود: مولکول آب یک جزء لایتجزی برای آب درست کرده که اگر آن باشد، آب در این عالم ظهور می‌کند و اگر آن پایه نباشد، آب ظهور نمی‌کند. ضابطه چیست؟ چطور است که بعضی از ترکیب‌ها وقتی زیاد می‌شود و غامض می‌شود، جزء لایتجزای جدید درست می‌کند و یک طبیعت ظهور می‌کند، اما بعضی از ترکیب‌ها اینطور نیستند؟ محتملاتی هست که من تنها به یک گزینه اشاره می‌کنم. البته اشکال دارد و توسعه آن هم ممکن است، ولی این یک راه است.

می‌گوییم اگر آنچه که با هم ترکیب می‌کنید، متشابه الاجزاء باشد، خوبی آن یک چیزی است که می‌تواند ترکیبات خیلی غامض داشته باشد، اما باز شیء ثالثی پیدا نمی‌آید و ما به یک جزء لایتجزی نمی‌رسیم. مثالش را جلسه قبل عرض کردم؛ چند می‌لیارد پیچ و مهره را همینطور در یک ظرف بریزید و خیلی به هم بزنید؛ می‌گویید یک کیسه‌ای پر از پیچ و مهره پیدا آمده است که همه، جور و واجور هستند، اما از این کیسه پیچ و مهره، شیء ثالث ندارید و به یک جزء لایتجزی نمی‌رسیم که بگوییم کیسه فلان. چرا؟ به‌خاطر اینکه آنچه که از این اجزاء با هم مخلوط می‌شوند و جمع می‌شوند، متشابه الاجزاء هستند؛ وزنشان است که کنار هم قرار می‌گیرد. لذا علامه فرمودند ربما ائتلفت و قویت وزنشان. وزن، متشابه الاجزاء است. اما «ربما لم تأتلف»، چرا؟ چون متشابه الاجزاء نیستند؛ فرمودند «مثل سمع و اراده و ...». اعضاء یک شیء که متشابه الاجزاء نیستند، یکی از گزینه‌ها و کاندیداهایی هست که بگوییم وقتی اجزاء غیر متشابه با هم همکاری می‌کنند، اینجا لیاقت اینکه یک جزء لایتجزی درست کنند، هست. اگر همه هیدروژن بودند، وقتی جمع می‌شدند، هیدروژن می‌شد. اگر همه اکسیژن بودند، اکسیژن می‌شد. اما یک اکسیژن با دو هیدروژن که دو نوع هستند، با هم ترکیب می‌شوند و حال یک جزء لایتجزایی به نام مولکول آب درست می‌کنند. البته عناصر مولکول هم دارند، ایزوتوپ‌های مختلفی هم دارند؛ این بحث‌ها جای

خودش باشد. الآن فقط به‌عنوان یک گزینه عرض می‌کنم تا روی آن تأمل کنید. این یک چیز است.

علی ای حال این سؤال، سؤال دقیق و خوبی است که چه چیزی سبب می‌شود که در وقت ترکیب یک اجزائی، ما مجوز و مبرّر این را پیدا کنیم که به یک جزء لایتجزایی برسیم که آن جزء لایتجزی، پایه‌ای برای طبیعتی باشد که می‌خواهد ظهور کند که اگر این جزء لایتجزی را به هم بزنیم، آن طبیعت دیگر ظهور نمی‌کند. چرا ما به این جزء لایتجزی می‌رسیم؟

همین حرف در زبان و اجتماع هم هست و این سؤال را می‌توانیم در آنجا مطرح کنیم که چه چیزی مبرر این است که وقتی چند نفر با هم زندگی می‌کنند و اجتماع درست می‌کنند، به یک چیز اصیل می‌رسیم که اِذا شخصیهٔ واحدهٔ است؟ یک فرد است که آن هم آن جامعه است. مبررش چیست؟ اگر در آن مبرر دقیق شویم، می‌بینیم اینجا ممکن هست یا ممکن نیست.

شاگرد: یعنی چه زمانی به آن شیء ثالث می‌رسیم؟

استاد: بله، یعنی پایه آن شیء ثالث به چه صورت فراهم می‌شود که می‌تواند برای ظهور آن شیء ثالث، جزء لایتجزی تشکیل بدهد؟ البته عباراتی هم هست؛ صورت نوعیه؛ ترکیب حقیقی صورت بگیرد و صورت از جای دیگری بیاید و ... اینها یک دیدگاه فلسفی است. اینکه بگویید وقتی ترکیب حقیقی شد، علت صورت، خود اجزاء نیستند، بلکه صورت از عالم اله است و از آنجا افاده می‌شود؛ این یک دیدگاه فلسفی است، با مبانی مختلف. الآن در زمان ما این را قبول ندارند. ما باید یک بحث‌های مشترکی را مطرح کنیم. دیدگاه فلسفی جای خودش است.

بازبینی #3
ایجاد شده 8 ژانویه 2025 16:10:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژانویه 2025 09:27:48 توسط ... .